

# مکاتب تفسیری

جلد اول

مفسران نخستین  
مکتب روایی محض و تفاسیر روایی محض

علی اکبر بابایی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه  
بهار ۱۳۹۵

## بابایی، علی اکبر، ۱۳۳۳ -

مکاتب تفسیری / علی اکبر بابایی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۸۱.  
ج. - پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۹، ۱۱۶، ۲۳۰. علوم قرآنی؛ ۲، ۵، ۲۵ (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۶۴۷؛ الهیات؛ ۳۳)

ISBN: 978-964-7788-00-7 (ج.۱)

بها: ۱۸۵۰۰ ریال

ISBN: 978-964-7788-54-0 (ج.۲)

بها: ۲۹۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-012-0 (ج.۳)

بها: ۱۱۴۰۰۰ ریال

ISBN: 978-600-298-013-7 (دوره)

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه. ج. ۱. ص. ۳۸۳-۳۹۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

مندرجات: ج. ۱. مفسران نخستین، مکتب روایی محض، تفاسیر روایی محض. ج. ۲. نقد مکتب و تفسیرهای باطنی محض، مکتب تفسیری اجتهادی و اقسام آن، نقد مکتب و تفسیرهای اجتهادی قرآن به قرآن. ج. ۳. بررسی و نقد مکتب و تفسیرهای اجتهادی روایی، بررسی و نقد مکتب و تفسیرهای اجتهادی ادبی، بررسی و نقد مکتب و تفسیرهای اجتهادی علمی. نمایه.

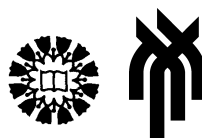
۱. تفسیر - فن. ۲. مفسران - نقد و تفسیر. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت). ج. عنوان.

۲۹۷ / ۱۷۱

BP ۹۱ / ۷ م ۲ ب

۴۵۵۵۰ - ۸۱ م

کتابخانه ملی ایران



مکاتب تفسیری جلد اول: مفسران نخستین، مکتب روایی محض و تفاسیر روایی محض

مؤلف: علی اکبر بابایی

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ هشتم: بهار ۱۳۹۵ (چاپ هفتم: پاییز ۱۳۹۳)

تعداد: ۱۵۰۰ نسخه

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۶۵۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰)، شماره: ۳۲۸۰۳۰۹۰

ص. پ. ۳۷۱۸۵۳۱۵۱ • تهران: خ. انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

فروش اینترنتی: [www.ketab.ir/rihu](http://www.ketab.ir/rihu) info@rihu.ac.ir [www.rihu.ac.ir](http://www.rihu.ac.ir)

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ‌گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تلفن:

۰۴۴۲۴۶۲۵۰، شماره: ۴۴۲۴۸۷۷۷ • تهران: خ. انقلاب، خ. ابوریحان، ش. ۱۰۷ و ۱۰۹، تلفن: ۰۶۶۴۰۸۱۲۰، شماره: ۶۶۴۰۵۶۷۸

[www.samt.ac.ir](http://www.samt.ac.ir) info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امروز فضلا و مدرسین علوم اسلامی طریقهٔ سلف صالح را حفظ و افکار خود را برای هرچه پربارتر کردن فقه و تفسیر و فلسفه و سایر علوم اسلامی به کار برند و شاگردان خود را برای همین مقصد الهی هدایت کنند.

صحیفهٔ نور، ج ۱۸، ص ۲۳۳

## مقدمه ناشران

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی، و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی از دوباره کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) نهمین کتاب مشترک خود را با انتشار کتاب مکاتب تفسیری (جلد اول) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این کتاب برای دانشجویان رشته علوم قرآنی برای درس روشهای تفسیری تدوین شده است. امید آنکه علاوه بر جامعه علمی و دانشگاهی، همه علاقه‌مندان مباحث تاریخی نیز از آن بهره‌مند شوند.

## فهرست مطالب

۱	سخن پژوهشگاه
۳	پیشگفتار
۱۳	مقدمه
۱۳	الف) مفهوم‌شناسی اصطلاحات
۱۳	مکاتب تفسیری
۱۶	مذاهب تفسیری
۱۶	مناهج تفسیری
۱۸	مدارس تفسیری
۱۸	اتجاهات تفسیری
۲۰	الوان تفسیر
۲۱	ب) دسته‌بندی مفسران
۲۳	ج) دسته‌بندی تفاسیر
۲۴	۱. تفاسیر روایی محض
۲۵	۲. تفاسیر باطنی محض
۲۵	۳. تفاسیر اجتهادی
۲۵	- تفاسیر اجتهادی قرآن به قرآن
۲۵	- تفاسیر اجتهادی روایی
۲۵	- تفاسیر اجتهادی ادبی
۲۶	- تفاسیر اجتهادی فلسفی
۲۶	- تفاسیر اجتهادی علمی
۲۶	- تفاسیر اجتهادی نسبتاً جامع
۲۶	- تفاسیر اجتهادی و باطنی

### بخش اول: مفسران نخستین

فصل اول: مفسران آگاه به همه معانی قرآن

۲۹	رسول خدا، صلی الله علیه و آله
----	-------------------------------

۳۱	آگاهی پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله به همه معارف قرآن
۳۴	تفسیر ویژه خدا!
۳۶	پیامبر اسلام، صلی الله علیه و آله، و تفسیر همه قرآن
۴۰	تبیین همه معانی قرآن
۴۱	دریافت همه معانی قرآن از پیامبر صلی الله علیه و آله
۴۷	تفسیر به جای مانده از پیامبر خدا، صلی الله علیه و آله
۴۷	نتیجه گیری
۴۸	امام علی علیه السلام
۵۵	امام علی، علیه السلام، و تفسیر همه قرآن
۵۹	مصحف امام علی علیه السلام
۶۳	تفسیر به جای مانده از امام علی، علیه السلام
۶۴	سایر مفسران آگاه به همه معانی قرآن
۶۷	اهل بیت آگاه به همه معانی قرآن
۷۲	اختصاص علم کامل قرآن به پیامبر و امامان معصوم، علیهم السلام
۷۵	امامان معصوم، علیهم السلام، و تفسیر همه معانی قرآن
۷۷	نتیجه گیری
۷۸	کتب تفسیری منسوب به امامان معصوم، علیهم السلام
۷۹	تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، علیه السلام
۹۸	تفسیری ۱۲۰ جلدی به املائی امام هادی، علیه السلام
۱۰۰	کتاب الباقر، علیه السلام
۱۰۲	مکتب تفسیری مفسران آگاه به همه معانی قرآن
۱۰۳	فهم معنا بر اساس مفاهیم عرفی کلمات
۱۰۳	فهم معنا در قالب ادبیات ویژه کلام
۱۰۵	فهم معنا با توجه به سیاق
۱۰۶	فهم معنا با توجه به فضای صدور کلام
۱۰۸	فهم معنا با توجه به معلومات عقلی
۱۱۰	فهم معنا با توجه به ویژگی های گوینده کلام
۱۱۱	فهم معنا با توجه به ویژگی های مخاطب
۱۱۴	فهم معنا با توجه به مشخصات موضوع کلام
۱۱۷	فهم معنا با توجه به سایر کلام های گوینده

۱۲۱	استمداد از معلمان ویژه کلام
۱۲۹	احتراز از تفسیر به رأی
۱۳۰	اتکا به علم و اطمینان
۱۳۲	نتیجه گیری
۱۳۲	رفع اشکال
۱۳۳	بیان معنایی فراتر از مدلول عرفی کلمات

#### فصل دوم: مفسران صحابی

۱۳۷	عصر صحابه و تفسیر قرآن
۱۳۸	مفسران صحابی
۱۴۲	● ابن عباس
۱۴۵	کتاب‌های تفسیری منسوب به ابن عباس
۱۵۵	مکتب تفسیری ابن عباس
۱۵۷	- استفاده از اشعار عرب
۱۵۸	نقد
۱۵۹	- استفاده از محاورات عرفی عرب
۱۶۰	- استفاده از سبب و فضای نزول
۱۶۲	- استفاده از آیات دیگر
۱۶۳	- استفاده از خصوصیات موضوع آیات
۱۶۴	- تعلّم از راسخان در علم
۱۶۵	نتیجه گیری
۱۶۶	مدرسه تفسیری ابن عباس
۱۶۷	● ابن مسعود
۱۷۱	مصحف ابن مسعود
۱۷۲	مدرسه تفسیری ابن مسعود
۱۷۳	● اُبی بن کعب
۱۷۷	مصحف و نسخه کبیره اُبی
۱۷۸	نسبت حدیث سازی به اُبی
۱۸۰	ارزش تفسیر صحابه
۱۸۴	تحقیق

۱۸۹	فصل سوم: مفسران تابعی
۱۹۰	● مجاهد بن جبر مکی
۱۹۱	مذهب وی
۱۹۴	نقد
۱۹۷	وثاقت وی
۱۹۸	استاد وی در تفسیر
۱۹۹	رتبه علمی وی
۲۰۰	کتاب تفسیر وی
۲۰۲	مکتب و روش تفسیری وی
۲۰۳	- ذکر معنای مفردات بدون شاهد
۲۰۴	- ذکر مصداق بدون توضیح
۲۰۵	- توجه به قراین عقلی
۲۰۶	- حمل بر مجاز و استعاره بدون قرینه
۲۰۹	- ذکر معنای اشاری بدون توضیح
۲۰۹	● سعید بن جبیر
۲۱۰	مذهب وی
۲۱۱	وثاقت
۲۱۲	استاد وی در تفسیر
۲۱۲	رتبه علمی وی
۲۱۳	خصوصیات آرای تفسیری وی
۲۱۳	- بیان مراد کلمه‌ای از قرآن
۲۱۴	- ذکر مصداق
۲۱۵	- بیان معنای کلمه
۲۱۵	- سبب نزول
۲۱۶	- بیان شأن نزول
۲۱۶	- تفسیر قرآن به قرآن
۲۱۶	- نسخ و عدم نسخ
۲۱۷	- رأی ناهمگون با عصمت پیامبران
۲۱۷	● سعید بن مسیب
۲۱۷	مذهب



۲۱۹	وثاقت
۲۲۱	استاد
۲۲۱	رتبه علمی
۲۲۲	کتاب تفسیر وی
۲۲۴	خصوصیات آرای تفسیری منسوب به وی
۲۲۵	● ابو حمزه ثمالی
۲۲۶	مذهب
۲۲۶	وثاقت
۲۲۸	آثار روایی و کتاب تفسیر وی
۲۲۹	روش تفسیری
۲۲۹	- بهره گیری از قرآن
۲۲۹	- بهره گیری از سنت (روایات معصومین علیهم السلام)
۲۳۰	- بهره گیری از لغت
۲۳۱	● جابر بن یزید جعفی
۲۳۲	مذهب
۲۳۲	وثاقت
۲۳۵	استاد وی در تفسیر
۲۳۵	رتبه علمی
۲۳۶	کتاب و آرای تفسیری وی
۲۳۶	● حسن بصری
۲۳۷	مذهب
۲۴۰	وثاقت
۲۴۱	استاد وی در تفسیر
۲۴۲	فضل و رتبه علمی
۲۴۲	کتاب تفسیری
۲۴۳	ویژگی های آرای تفسیری
۲۴۳	- تفسیر قرآن به قرآن
۲۴۴	- تفسیر قرآن به سنت
۲۴۴	- تفسیر قرآن با گفته های صحابه
۲۴۵	- نقل قضایای ناسازگار با عصمت پیامبران

۲۴۵	.....	● زید بن اسلم عدوی
۲۴۵	.....	مذهب و وثاقت وی
۲۴۹	.....	استاد وی در تفسیر
۲۵۰	.....	ویژگی آرای تفسیری
۲۵۳	.....	استفاده از آرای تفسیری منسوب به وی
۲۵۳	.....	● عِکْرَمَه مولى ابن عباس
۲۵۴	.....	مذهب
۲۵۵	.....	وثاقت
۲۵۶	.....	استاد وی در تفسیر
۲۵۷	.....	رتبه علمی
۲۵۸	.....	خصوصیات آرای تفسیری
۲۵۸	.....	- بیان معنای کلمه
۲۵۸	.....	- تعیین مصداق
۲۵۹	.....	- بیان شأن نزول
۲۵۹	.....	● قَتَادَة بن دِعَامَة
۲۶۰	.....	مذهب
۲۶۱	.....	وثاقت
۲۶۲	.....	استاد وی در تفسیر
۲۶۳	.....	رتبه علمی
۲۶۳	.....	کتاب و آرای تفسیری
۲۶۴	.....	● مُحَمَّد بن کَعْب قرظی
۲۶۴	.....	مذهب
۲۶۵	.....	وثاقت
۲۶۵	.....	استاد و رتبه علمی
۲۶۶	.....	کتاب و آرای تفسیری

#### بخش دوم: مکاتب تفسیری و تفاسیر

۲۶۹	.....	فصل اول: مکتب روایی محض
۲۷۴	.....	بررسی ادله طرفداران مکتب روایی محض
۲۷۴	.....	فقدان دلیل بر غیر مکتب روایی محض

۲۸۲	دلایل قرآنی
۲۹۳	دلایل روایی
۲۹۵	۱. کافی نبودن قرآن برای رفع اختلاف
۲۹۵	۲. اختصاص شناخت و تفسیر قرآن به معصومین، علیهم السلام
۳۰۲	۳. شأن امامان معصوم علیهم السلام در تفسیر قرآن
۳۰۵	۴. دور بودن تفسیر قرآن از عقل بشر
۳۰۵	۵. نكوهش تفسیر و تأویل به رأی
۳۰۵	۶. نكوهش از تفسیر بدون آگاهی
۳۰۶	۷. بیان برخی از ویژگی‌های قرآن
۳۰۷	۸. نكوهش از جدال در قرآن
۳۰۷	۹. نادرستی پندار منسوب به ابن عباس
۳۰۸	۱۰. کفر کسی که برخی از قرآن را به برخی دیگر آن بزند
۳۰۹	۱۱. جایز نبودن تفسیر جز با اثر صحیح
۳۱۰	نتیجه گیری
۳۱۱	تفاسیر روایی محض
۳۱۱	الف) تفاسیر روایی اصلی
۳۱۲	ب) جوامع تفسیری
۳۱۲	تفاوت تفسیرهای روایی اهل تسنن و شیعه
۳۱۳	کاستی‌های مشترک تفاسیر روایی
۳۱۳	۱. جامع نبودن
۳۱۴	۲. آمیختگی به روایات ضعیف و غیر قابل اعتماد
۳۱۵	تفاسیر روایی اصلی ضمنی
۳۱۵	کتاب التفسیر بخاری
۳۲۲	سایر تفاسیر روایی اصلی ضمنی
۳۲۲	تفاسیر روایی اصلی مستقل
۳۲۲	تفسیر القرآن العظیم
۳۲۷	تفسیر عیاشی
۳۲۸	بررسی
۳۳۱	تفسیر فرات کوفی

۳۳۵	..... مؤلف
۳۳۶	..... مذهب مؤلف
۳۳۸	..... وثاقت
۳۳۹	..... ارزیابی
۳۴۲	..... جوامع تفسیری
۳۴۳	..... الدر المثنور فی التفسیر بالمأثور
۳۴۳	..... مؤلف
۳۴۷	..... مکتب تفسیری
۳۴۸	..... بررسی محتوای تفسیر
۳۵۷	..... البرهان فی تفسیر القرآن
۳۵۹	..... مؤلف
۳۶۱	..... مکتب تفسیری
۳۶۴	..... محتوای تفسیر
۳۶۷	..... بررسی و نقد
۳۷۱	..... کاستی‌ها
۳۷۵	..... تفسیر نور الثقلین
۳۷۶	..... مؤلف
۳۷۷	..... مکتب تفسیری
۳۷۸	..... محتوای تفسیر
۳۸۰	..... ارزیابی
۳۸۱	..... کاستی‌ها
۳۸۳	..... منابع و مأخذ
۳۹۳	..... نمایه آیات
۴۰۷	..... نمایه روایات
۴۱۲	..... نمایه نام معصومین علیهم السلام
۴۱۴	..... نمایه نام اشخاص
۴۲۸	..... نمایه کتاب‌ها

## سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهشها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسایل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته علوم قرآنی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تهیه شده است. امید می‌رود برای عموم جامعه دانشگاهی و برای دیگر علاقه‌مندان نیز سودمند باشد.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، انتقادهای و پیشنهادهای خود، این پژوهشگاه را در راستای ارتقای سطح علمی پژوهش و عرضه هرچه بهتر کتابها و تدوین آثار مورد نیاز جامعه علمی یاری فرمایند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف گرامی، حجة الاسلام و المسلمین علی اکبر بابایی و ناظر محترم طرح حجة الاسلام و المسلمین محمود رجبی تشکر و قدردانی کند. همچنین از همکاری حجة الاسلام سیدیحیی میرجعفری برای تحقیق و معرفی برخی مفسران صحابی و تابعی همچون ابی بن کعب، جابر جعفی، عکرمه، قتاده، قرظی، سعید بن جبیر و سعید بن مسیب، و حجة الاسلام محسن سبزواری برای تحقیق و معرفی دو کتاب تفسیر فرات و نورالثقلین و حجة الاسلام غلامعلی عزیزی‌کیا برای تحقیق و معرفی دو مفسر تابعی، ابو حمزه ثمالی و حسن بصری، سپاس‌گزاری و تقدیر می‌شود.

## پیشگفتار

قرآن کریم تنها کتاب آسمانی است که با عنایت ویژه خداوند از هرگونه تحریف مصون مانده است.<sup>۱</sup>

این کتاب گرانسنگ که قابل اعتمادترین منبع برای دستیابی به معارف و آموزه‌های وحیانی است، انسان‌ها را به استوارترین روش زندگی هدایت می‌کند<sup>۲</sup> و آنان را که در پی خشنودی خداوند باشند به راههای بی‌گزند هدایت کرده، از تاریکی‌ها نجات داده و به جهانی سراسر نورانیت وارد می‌سازد.<sup>۳</sup>

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در سال آخر و روزهای پایانی عمر پربرکت خویش مکرر بر بهره‌گیری از قرآن تأکید و تمسک به قرآن و اهل بیت (ع) را تنها راه مصون ماندن امت اسلامی از انحراف و گمراهی معرفی کرده<sup>۴</sup> و او و خاندان پاکش این کتاب بزرگ را معیار و محک تشخیص و تمییز حق از باطل در همه زمینه‌ها و بویژه در بحران‌های فکری، اخلاقی و اجتماعی دانسته‌اند.<sup>۵</sup>

بهره‌مندی از قرآن مجید و رهنمود گرفتن از این پیام الهی در گرو فهم دقیق و صحیح آیات آن است. از این منظر، معارف قرآن را می‌توان به سه دسته «روشن و قابل فهم برای همه آشنایان با زبان عربی»، «نیازمند تفسیر و تدبر ویژه» و «نیازمند توضیح و

۱. إِنَّا نَحْنُ نُزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ، حجر، آیه ۹.

۲. إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ، اسراء، آیه ۹.

۳. يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ، سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ، مائده، آیه ۱۶.

۴. إني تارك فيكم الثقلين ما ان تمسكتهم بهما لن تضلوا؛ كتاب الله و عترتي اهل بيتي. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۹، حدیث ۹.

۵. وَاثْمَمُوا عَلَيْهِ آرَاءَكُمْ وَاسْتَشْشُوا فِيهِ أَهْوَاءَكُمْ. سیّد رضی، محمد بن حسین؛ نهج البلاغه با ترجمه فیض الاسلام،

تفسیر مفسران کامل» - پیامبر و ائمه معصومین علیهم السلام - تقسیم کرد. به دلیل تنوعی که در آیات و مراتب فهم و معنا و مرادات آن وجود دارد، دانشمندان اسلامی از دیرباز در صدد پرده‌برگرفتن از آیات قرآن برآمده‌اند و علمی به نام «تفسیر قرآن» شکل گرفته و هزاران جلد کتاب در این خصوص به رشته تحریر در آمده است. این تلاش پر برکت زمینه را برای پیدایش روش‌ها و مکتب‌های مختلفی در فهم کلام خدا فراهم آورده است و پیروان آنها برای اثبات درستی روش و مکتب مورد نظر خویش و نادرستی مکتب‌ها و روش‌های دیگر دلایلی را مطرح کرده‌اند.

هرچند تلاش مفسران گرانقدر قرآن کریم را باید ارج نهاد و استفاده وافر از آن برد، ولی پی گرفتن تلاش ارزشمند مفسران، بررسی و تحقیق در صحت و سقم روش تفسیری آنان و بهره‌گیری و درس‌آموزی از تجارب و خطاهای گذشته صاحب‌نظران این رشته علمی، وظیفه هر محقق و مفسر شیفته و تشنه معارف و حیانی است تا در پرتو این تلاش مضاعف معارف ناب قرآنی هرچه بیشتر و دقیقتر فهمیده و استخراج شود. در این باره بررسی‌های چهارگانه زیر، که به منزله چهارگام برای رسیدن به هدف یاد شده است، ضرورت می‌یابد.

۱ - بررسی مبانی تفسیر، که عهده‌دار نظریات کلانی است که اصول و قواعد تفسیر از آن برمی‌خیزد و در چارچوب آن شکل می‌گیرد.

۲ - بررسی اصول و قواعد تفسیر، که تعیین‌کننده ضوابط و مراحل روش صحیح تفسیر است.

۳ - بررسی مکاتب تفسیری که بیانگر شیوه‌های مختلف تفسیری است که از سوی دانشمندان در زمینه چگونگی تفسیر قرآن مطرح می‌شود و احیاناً پیروانی یافته است.

۴ - بررسی مهمترین منابع و کتاب‌های تفسیری، که بر مبنای هر یک از مکتب‌های تفسیری به رشته تحریر در آمده است.

هرچند مقتضای ترتیب منطقی آن بود که اولین حلقه از پژوهش‌های گروه علوم قرآنی پژوهشکده به محور نخست، یعنی مبانی تفسیر پردازد ولی این بررسی به دلایلی به تأخیر افتاد و در حد ضرورت در کتاب روش‌شناسی تفسیر، به اجمال از آن سخن به میان آمد. امید است در پژوهشی دیگر این مهم ان‌شاءالله جامعه عمل پوشد.

محور دوم، یعنی اصول و قواعد روش صحیح تفسیر - که مبنا و معیار بررسی



مکاتب و منابع تفسیر نیز بشمار می‌آید - در نخستین اثر گروه با عنوان روش‌شناسی تفسیر قرآن به جامعه علمی تقدیم شد.

و سرانجام دو محور اخیر، یعنی بررسی مکاتب و منابع تفسیری موضوعی است که تلاش حاضر برای تحقق بخشیدن به این مهم سامان یافته است.

از آنجا که هر بررسی و انتقادی نیازمند معیاری است که بررسی و نقد بر اساس آن صورت پذیرد. پژوهش حاضر نیز که به بررسی مکتبها و روشهای مختلف تفسیری می‌پردازد، باید بر مبنای اصول و ضوابط و معیارهای مستدل و قابل اعتمادی استوار شود. بدین منظور، جلد نخست از مجموعه پژوهش‌های قرآنی گروه علوم قرآنی، با عنوان روش‌شناسی تفسیر قرآن، به تبیین و اثبات اصول و قواعد روش صحیح تفسیر اختصاص یافت؛ تا افزون بر آن که روش درست تفسیر آیات را در اختیار مفسران قرار دهد، مبنا و معیاری برای ارزیابی روش‌ها، مکاتب و منابع تفسیری باشد. اکنون این کتاب، با در نظر گرفتن آن اصول و معیارها، به بررسی و نقد مکاتب مختلف تفسیری می‌پردازد.

این نوع بررسی هرچند بی‌سابقه نیست، ولی تلاش‌های انجام گرفته، اهداف این پژوهش را به لحاظ کمی و کیفی پوشش نمی‌دهد و چنان‌که خوانندگان گرامی در مطالعه کتاب خواهند دید، نه تنها جامعیت و کمالی که در این پژوهش وجود دارد، در هیچ‌یک از منابع پیشین یافت نمی‌شود، بلکه روش ویژه و ساختار و محتوای مباحث کتاب در بسیاری از زمینه‌ها نیز، با پژوهش‌های پیش‌گفته تفاوت چشمگیری دارد.

در اینجا، به اختصار به تلاش‌های صورت گرفته و کم و کیف آنها در مقایسه با تلاش حاضر می‌پردازیم. در یک نگاه کلی این پژوهش در سه زمینه به شرح زیر به بحث و بررسی می‌پردازد:

۱. معرفی مفسران نخستین؛

۲. معرفی و بررسی مکتب‌های تفسیری؛

۳. معرفی و بررسی برخی از مهمترین تفاسیر مکتب‌های تفسیری.

در زمینه نخست، سیوطی در اتقان تحت عنوان «طبقات المفسرین»<sup>۱</sup> داودی در طبقات المفسرین،<sup>۲</sup> علامه طباطبایی در کتاب قرآن در اسلام،<sup>۳</sup> و زرقانی در مناهل،<sup>۴</sup> جمعی از

۱. ر.ک: سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۱۲۲۷ - ۱۲۳۴.

۲. ر.ک: داودی، محمد بن علی، طبقات المفسرین، ج ۱، ص ۱۲۳، رقم ۱۱۷ (ابوحمزة ثمالی ثابت بن دینار)، ص ۱۴۷.

صحابیان و تابعیان مفسر را به اختصار معرفی و در برخی موارد به شرح حال آنان پرداخته‌اند. محمدحسین ذهبی، در التفسیر و المفسرون و محمدهادی معرفت در التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب و عقیقی بخشایشی در طبقات مفسران شیعه مطالب بیشتری در معرفی مفسران صحابه و تابعین بیان کرده‌اند.<sup>۵</sup>

پژوهش حاضر دسته‌بندی جدیدی در معرفی مفسران نخستین به دست داده و از جهت محتوا نیز از نوآوری نسبی برخوردار است. در این کتاب، مفسران قرآن کریم به دو دسته «آگاه به همه معانی قرآن» و «آگاه به بعضی از معانی قرآن» تقسیم شده‌اند. پیامبر گرامی اسلام، صلی الله علیه و آله، و امامان معصوم، علیهم السلام، به استناد روایات متواتر و معتبر در دسته اول قرار گرفته‌اند و مسائلی مانند این که: آیا آنان همه آیات قرآن را تفسیر کرده‌اند؟ چه مقدار از تفسیر آنان به دست ما رسیده است؟ مکتب تفسیری آنان چه بوده است؟ آیا کتاب تفسیری مدونی از آنان به جای مانده است؟ و آیا همه روایات تفسیری نقل شده از آنان قابل اعتماد است مطرح و بررسی شده است. هرچند برخی از مطالب یاد شده در منابع پیشین یافت می‌شود و حتی از شرح حال تعدادی از مفسران تابعی که در برخی از کتب پیشین آمده - به دلیل پرهیز از افزایش حجم کتاب - صرف نظر شده است. ولی دو نکته در این خصوص شایان توجه است: نخست آن که بسیاری از منابع یاد شده امام علی، علیه السلام، را در ردیف ابن عباس، ابن مسعود و ابی بن کعب قرار داده‌اند<sup>۶</sup> و به خواننده چنین القا می‌کنند که حضرت علی (ع) نیز صرفاً یکی از صحابیان مفسر بوده

۵. رقم ۱۴۴ (حسن بصری)، ص ۱۷۶، رقم ۱۷۵ (زید بن اسلم)، ص ۱۸۱ رقم ۱۸۱ (سعید بن جبیر)، ص ۲۳۲ رقم ۲۲۴ (عبدالله بن عباس)، ص ۳۸۰ رقم ۳۳۱ (عکرمه)، ج ۲، ص ۴۳، رقم ۴۱۵ (قتاده)، ص ۳۰۵، رقم ۶۱۷ (مجاهد).  
۳. ر.ک: طباطبایی، محمدحسین، قرآن در اسلام، صص ۵۱ - ۵۳.

۴. ر.ک: زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۱۴ - ۲۲.

۵. ر.ک: ذهبی، محمدحسین، التفسیر و المفسرون، ج ۱، صص ۳۲ - ۱۲۵، معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۱، صص ۱۷۳ - ۴۶۸، عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران شیعه، ج ۱، صص ۲۳۲ - ۴۵۰، و برای اطلاع از کتاب‌های دیگری که در طبقات نخستین مفسران (پیامبر و اهل بیت آن حضرت و صحابه و تابعین) مطالبی در بر دارند ر.ک: مرکز الثقافة و المعارف القرآنیة، علوم القرآن عند المفسرین، ج ۳، صص ۴۲۳ - ۴۸۳. (طبقات المفسرین).

۶. ر.ک: ذهبی، محمدحسین، همان، ج ۱، صص ۶۵-۹۲، سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۲، صص ۱۲۲۷-۱۲۳۴، داودی، محمد بن علی، طبقات المفسرین، ج ۱، ص ۱۲۳، زرقانی، محمد عبدالعظیم، همان، ج ۲، صص ۱۴-۲۲، جمعی از نویسندگان، علوم القرآن عند المفسرین، ج ۳، صص ۴۲۳-۴۸۳.

است و حال آن‌که طبق روایات نقل شده در منابع شیعه و سنی، آن حضرت با چنین افرادی قابل مقایسه نیست؛ آن حضرت به همه معانی و معارف قرآن و ظاهر و باطن آن بدون کمترین خطایی آگاه بوده است<sup>۱</sup> و آن افراد تنها به بخشی از معانی قرآن، آن هم با احتمال خطا آگاه بوده‌اند<sup>۲</sup> دوم آن‌که، از افرادی مانند مجاهد، عکرمه، قتاده و حسن بصری به عنوان مفسران قرآن یاد کرده‌اند ولی از بزرگانی مانند امام حسن، امام حسین، امام سجاد، امام باقر و امام صادق، علیهم السلام، و... با این که به دلیل حدیث ثقلین و غیر آن، به همه معانی و معارف قرآن آگاه بوده‌اند و یکی از شئون آن‌ها تفسیر و تبیین قرآن بوده و مطالب تفسیری ارزنده‌ای از آنان به جای مانده است،<sup>۳</sup> ذکر آن به میان نیآورده‌اند. در معرفی صحابیان و تابعیان مفسر نیز، جامعیت،<sup>۴</sup> تفکیک بین مباحث، تحقیق دقیق و نقد برخی از نظریات، از ویژگی‌های این کتاب است.

در زمینه مکتب‌های تفسیری جعفر سبحانی در کتاب «الایمان و الکفر» رساله‌ای با عنوان «المناهج التفسیریة» آورده و در آن رساله، تفسیر را به دو منهج «تفسیر به کمک عقل» و «تفسیر به کمک نقل» تقسیم کرده و برای هر یک از این دو منهج شکل‌های تفسیری متعددی را ذکر کرده است.<sup>۵</sup>

عمید زنجانی نیز در کتاب مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، مبانی و روش‌های تفسیری را در عناوین زیر مورد بحث و بررسی قرار داده است:

«مبنا و روش تفسیر نقلی یا تفسیر به مأثور»، «مبنا و روش تفسیر به رأی»، «مبنا و روش تفسیر اجتهادی یا عقلی»، «مبنا و روش تفسیر اشاری»، «مبنا و روش تفسیر رمزی»، «مبنا و روش تفسیر قرآن به قرآن» و «مبنا و روش تفسیر جامع بر اساس کتاب، سنت (عترت)، عقل و اجماع».<sup>۶</sup>

۱. ر.ک: همین کتاب (مکاتب تفسیری ج ۱) صص ۴۴-۵۰.

۲. همان، صص ۶۷-۶۹، ۱۳۱.

۳. همان، صص ۵۸-۷۲.

۴. در این کتاب از تولد، وفات، مذهب، وثاقت، رتبه علمی، استاد، کتاب تفسیری، مکتب تفسیری یا آرای تفسیری منسوب به آنان بحث شده، ولی منابع دیگر جامع همه این امور نمی‌باشند.

۵. ر.ک: سبحانی، جعفر، الایمان و الکفر فی الکتاب و السنة، صص ۱۹۰ - ۲۲۴.

۶. عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، ص ۲۱۶، شایان ذکر است که وی در ضمن بحث از این مبانی، درباره تفسیر هر مونتیک قرآن و تفسیر شهودی نیز بحث کرده است (ر.ک: همان، صص ۲۶۹ - ۳۱۲، ۳۲۷ و ۳۲۸).

ذهبی تفسیر را به «تفسیر مأثور (نقل شده)» و «تفسیر به رأی» و تفسیر به رأی را به دو گونه جایز و مذموم تقسیم کرده و کتاب‌های تفسیری اشعری مذهبان، مانند تفسیر فخر رازی و تفسیر یضاوی و روح المعانی را از قسم «تفسیر به رأی جایز» دانسته و کتاب‌های تفسیری معتزله، شیعه، باطنیه، بابیه و بهائیه، زیدیه و خوارج را از قسم تفسیر به رأی مذموم به شمار آورده است.<sup>۱</sup>

محمدهادی معرفت نیز تفسیر را به دو نَمَط و منهج «تفسیر به مأثور» و «تفسیر اجتهادی» تقسیم کرده و تفسیر قرآن به قرآن، تفسیر قرآن به سنت، تفسیر قرآن به قول صحابی و تفسیر قرآن به قول تابعی را از انواع تفسیر به مأثور و تفسیر ادبی، تفسیر فقهی، تفسیر کلامی، تفسیر فلسفی، تفسیر عرفانی - تفسیر رمزی، صوفی - تفسیر اشاری، تفسیر اجتماعی، تفسیر علمی و تفسیر جامع را از اقسام تفسیر اجتهادی قرار داده است.<sup>۲</sup>

در این کتاب، مکاتب تفسیری به سه مکتب روایی محض، باطنی محض و اجتهادی تقسیم شده است. مکتب اجتهادی نیز بر حسب گرایش‌های مختلف مفسران در اجتهاد، به مکتب‌های اجتهادی روایی، اجتهادی قرآن به قرآن، اجتهادی ادبی، اجتهادی علمی، اجتهادی جامع، و اجتهادی باطنی، دسته‌بندی شده است؛ آن‌گاه هر مکتب را تعریف و دلایل مخالفان و موافقان آن را بررسی و با توجه به قواعد روش‌شناسی تفسیر، نکات قوت و ضعف هر یک را مشخص و استوارترین مکتب را معین کرده است. امتیاز این کتاب بر کتاب‌های پیشین، در دسته‌بندی ابتکاری<sup>۳</sup> آن برای مکاتب، نقد و بررسی

۱. ر.ک: التفسیر و المفسرون، ج ۱، صص ۱۵۲، ۲۸۸، ۳۶۳، و ج ۲، صص ۱ - ۳۲۳.

۲. التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، صص ۲۱ - ۲۷، ۳۴۹، ۳۵۳.

۳. به عنوان مثال در برخی از کتاب‌ها تفسیر قرآن، به قرآن، قسمی از تفسیر به مأثور و قسمی تفسیر اجتهادی قرار داده شده است (ر.ک: التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۲۲) و حال آن که بی‌تردید تفسیر قرآن به قرآن نیز قسمی از تفسیر اجتهادی است. در تفسیر قرآن به روایت نیز دو نظریه است: یکی، نظریه روایی محض که می‌گوید در فهم و بیان معنای قرآن باید به آنچه در روایات بیان شده اکتفا کنیم و تفسیر آیاتی که روایتی در تفسیر آن نرسیده است جایز نیست و دوم، نظریه اجتهادی روایی است که طرفداران آن در تفسیر آیات بیش از هر چیز از روایات استفاده می‌کنند، ولی راه فهم معنای قرآن را منحصر به آن نمی‌دانند و از آیات قرآن و اشعار عرب و مانند آن نیز کمک می‌گیرند. در دسته‌بندی این کتاب - برخلاف کتاب‌های دیگر - بین این دو نظریه تفکیک شده است. هم‌چنین در کتاب‌های دیگر بین مکتب باطنی محض - که ظاهر قرآن را مراد نمی‌داند و حقیقت قرآن را منحصر به باطن آن می‌داند - و مکتب اجتهادی باطنی - که هم ظاهر قرآن را مراد می‌داند و هم باطن آن را و علاوه

برخی آرای مطرح شده در منابع یاد شده و جامعیت بیشتر در ذکر و بررسی دلایل موافقان و مخالفان هر مکتب است.<sup>۱</sup>

در زمینه معرفی و بررسی تفاسیر نیز گلدزیهر در کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی ضمن مباحثی مانند: تفسیر به مأثور، تفسیر در پرتو عقیده، تفسیر در پرتو تصوّف، تفسیر در پرتو فرقه‌های دینی و تفسیر در پرتو تمدن اسلامی، خصوصیات برخی از تفاسیر مانند جامع الیابان طبری، کشاف زمخشری، تفسیر القرآن الکریم منسوب به ابن عربی، تفسیر قمی، تفسیر المنار را مورد بحث و بررسی قرار داده است؛<sup>۲</sup> ولی گذشته از اشکال دسته‌بندی کتاب، تنها تعداد اندکی از تفاسیر را، آن هم به صورت ناقص و با خطاهای فاحش، معرفی کرده است.<sup>۳</sup>

ذهبی در التفسیر و المفسرون بیش از چهل کتاب تفسیری را معرفی و بررسی کرده است؛ ولی شیعه را از فرقه‌های بدعت‌گذار، و تفاسیر شیعه را از اقسام تفسیر به رأی به

↳ بر اجتهاد در فهم ظاهر، ذکر معنای باطنی را نیز برای همگان روا می‌داند - تفکیک نشده ولی در دسته‌بندی این کتاب چنین تفکیکی صورت پذیرفته است.

۱. به عنوان نمونه در مکتب روایی محض، تمام دلایل صاحب‌وسائل و صاحب‌حدائق و امین استرآبادی بررسی شده و بیش از بیست آیه و هشتاد روایت ملاحظه شده است. در حالی که در کتاب‌های دیگر دلایل این مکتب، با این تفصیل بررسی نشده است. هم‌چنین در مکتب اجتهادی قرآن به قرآن تمام ادله طرفداران این مکتب بررسی شده است.

۲. جولد تسیهر، اجنتس، (گلدزیهر) مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه دکتر عبدالحلیم نجار، صص ۷۳ - ۳۶۵.

۳. از جمله خطاهای این کتاب آن است که موضع شیعه را نسبت به قرآن کریم برخلاف واقع ارائه داده است؛ در این کتاب آمده است هر چند شیعه رأی گروهی از خود را که در صحت قرآن موجود تشکیک می‌کنند و آن را از منابع دینی نمی‌شمارند، ترک کرده‌اند، ولی همه آنان از زمان پیدایش‌شان مدعی‌اند که نص عثمانی (قرآن موجود) نسبت به قرآن صحیحی که حضرت محمد، صلی‌الله‌علیه‌و آله، آورده است افزایش‌ها و تغییرهای مهمی دارد و از سوی دیگر قسمت مهمی از آن از بین رفته است (همان، ص ۲۹۳) و حال آن که اهل اطلاع می‌دانند که هیچ یک از محققان شیعه در اعتبار قرآن موجود و منبع دینی بودن آن شک ندارند و جمع زیادی از دانشمندان بزرگ شیعه تصریح کرده‌اند که قرآن موجود عیناً همان قرآنی است که بر رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌و آله، نازل شده و آن حضرت برای امتش تلاوت کرده است نه بر آن افزوده شده و نه از آن کاسته شده است. (ر.ک: معرفت، محمدهادی، صیانة القرآن، صص ۴۳-۷۱). هم‌چنین وی مصحف حضرت فاطمه، سلام‌الله‌علیها، را به عنوان مصحفی که پیامبر، صلی‌الله‌علیه‌و آله، قبل از وفاتش به دخترش عطا فرموده معرفی کرده است (ر.ک: همان، ص ۳۰۱) و حال آن‌که بر حسب روایتی که از امام صادق، علیه‌السلام، نقل شده مصحف حضرت فاطمه، سلام‌الله‌علیها، مطالبی بوده است که بعد از رحلت رسول خدا، صلی‌الله‌علیه‌و آله، ملکی برای آن حضرت بیان می‌کرده و امام علی، علیه‌السلام، آن را می‌نوشته است و آن غیر از قرآن بوده است (ر.ک: کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۹۸ باب فیه ذکر الصحیفة... و مصحف فاطمة، علیها‌السلام، حدیث ۲).

شمار آورده و از تفاسیر شیعه تنها شش تفسیر را نام برده است.<sup>۱</sup> دسته‌بندی وی از تفاسیر اجتهادی نیز بر مبنای عقیده و مذهب مؤلف است، نه بر مبنای مکتب و روش تفسیری به کار رفته در آن. از این رو، تفسیر صافی و تفسیر منسوب به امام عسکری، علیه السلام، را - با این که اجتهادی روایی است و مناسب بود آن‌ها را در ردیف جامع الیان طبری و از اقسام تفسیر به مأثور به شمار آورد - از آنجا که مؤلف آن‌ها شیعی مذهب بوده است - از اقسام «تفسیر به رأی مذموم» قرار داده و در ردیف مجمع‌الیان نام برده است.

آخرین کتاب در این زمینه اثر ارزشمند محمدهادی معرفت با نام التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب است. این کتاب که ناظر به مباحث التفسیر و المفسرون ذهبی است، علاوه بر تهذیب کتاب ذهبی، اضافاتی در بر دارد و کتاب‌های تفسیری بسیاری در آن معرفی شده است. این کتاب توجه ویژه‌ای به تفاسیر شیعه دارد و بیش از بیست کتاب تفسیری شیعه را معرفی کرده است. هشت کتاب تفسیری شیعه را در تفسیر به مأثور و پنج کتاب تفسیری را در تفاسیر جامع و هفت کتاب را ذیل تفاسیر ادبی - اجتماعی و چهار کتاب را در تفاسیر موجز آورده است. صاحب کتاب با بررسی علمی، محققانه و منصفانه خویش، آرای غرض‌آلود ذهبی نسبت به شیعه و منابع تفسیری شیعی را نمایانده و به نقد کشیده است. اما این پژوهش با نگاهی دیگر و منظری متفاوت و با دقتی فراتر به بررسی منابع تفسیری پرداخته است. به عنوان مثال، دسته‌بندی تفاسیر به دو دسته تفسیر به مأثور و تفسیر اجتهادی که در آن کتاب صورت گرفته، دسته‌بندی منطقی و درستی است؛ ولی تقسیم‌بندی تفاسیر اجتهادی به تفاسیر فقهی (آیات الاحکام)، تفاسیر جامع، تفاسیر عصر جدید، تفاسیر ادبی، تفاسیر لغوی، تفسیر متشابهات، تفاسیر موجز و تفاسیر صوفیه و اهل عرفان<sup>۲</sup> بر معیار واحدی مبتنی نمی‌باشد و بر مبنای مکاتب تفسیری صورت نگرفته است.<sup>۳</sup>

۱. وی مرآة الانوار، تفسیر منسوب به امام حسن عسکری، علیه السلام، مجمع الیان، تفسیر صافی، تفسیر القرآن شبر و بیان السعادة گنابادی را به عنوان اهم تفاسیر شیعه ذکر کرده است (ذهبی، محمدحسین، همان، ج ۱، ص ۳۶۳ و ج ۲، صص ۴۲-۲۳۴) و حال آن که اهل اطلاع می‌دانند اولاً این تفاسیر همه از اهم تفاسیر شیعه نیست بلکه مرآة الانوار اصلاً کتاب تفسیر نیست چه رسد که از اهم تفاسیر باشد و ثانیاً شیعه تفاسیر مهم تری مانند تفسیر بیان شیخ طوسی و میزان علامه طباطبایی دارد که وی به بررسی آن دو نپرداخته است.

۲. ر.ک: التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، صص ۱۹ و ۲۰ و ۳۵۲ - ۵۸۷.

۳. در نحوه چینش تفاسیر در دسته‌ها نیز در کتاب مذکور دقیق عمل نشده است به عنوان مثال تفسیر کنز الدقائق را

همچنین، پژوهش حاضر از رعایت نظم منطقی و نقد نسبتاً جامع و مبتنی بر معیارهای تثبیت شده، برخوردار است، این امر در کتاب یادشده در برخی موارد انجام نگرفته و در مواردی نیز به اجمال و اختصار و بدون بررسی برگزار شده است. در یک جمله، در این کتاب مطالب و نقد و بررسی‌هایی آمده است که در هیچ‌یک از منابع پیشین و کتاب‌های دیگری مانند: المفسرون حیاتهم و منهجهم، آشنایی با تفاسیر قرآن مجید و مفسران، قرآن پژوهشی و نخستین مفسران پارسی نویس دیده نمی‌شود.

---

⇨ هم از کتاب‌های تفسیر به مأثور به شمار آورده و در ردیف تفسیر برهان و نور الثقلین ذکر کرده و هم از تفاسیر جامع دانسته و در ردیف تفسیر تبیان و مجمع البیان آورده است؛ (ر.ک: همان، صص ۳۳۸، ۴۰۱) و تفسیر منهج الصادقین را - با این که اجتهادی است و جامعیت آن از تفسیر کنزالدقائق بیشتر است - در شمار کتاب‌های تفسیر به مأثور آورده (ر.ک: همان، ص ۳۴۶) و در تفاسیر جامع نیاورده است.





## مقدمه

### الف) مفهوم‌شناسی اصطلاحات

در برخی کتاب‌ها، عناوین مختلفی از قبیل: مکاتب تفسیری، مناہج تفسیر، مدارس تفسیر، اتّجاهات تفسیر و الوان تفسیر به چشم می‌خورد. گرچه نمی‌توان برای هر یک از این عناوین، معنای اصطلاحی خاصی ذکر کرد و مدّعی شد همه جا در آن معنا به کار رفته‌اند. زیرا چه بسا نویسنده هر کتابی از هر کدام معنای خاصی اراده کرده باشد<sup>۱</sup> - ولی بی‌فایده نیست که با توجه به معنای لغوی کلمات، مناسب‌ترین معنای اصطلاحی آن عناوین را یادآور شویم.

### مکاتب تفسیری

فرهنگ‌نویسان برای مکتب - که جمع آن مکاتب است - معانی و کاربردهای متعددی مانند: آموزشگاه، جای کتاب خواندن، جایی که در آن نوشتن می‌آموزند، دفترخانه، مدرسه، مجموع اندیشه‌ها و افکار یک استاد که در جمعی نفوذ یافته باشد و پیروی از نظریه‌ای در فلسفه و هنر و... آورده‌اند<sup>۲</sup> و تفسیر را به پیدا و آشکار کردن، بیان نمودن معنای سخن، آشکار کردن غوامض سخن، کشف کردن ظاهر قرآن و جز آن، معنا

---

۱. فهد بن عبدالرحمن، بعد از ذکر برخی از اصطلاحات، مانند: «اتّجاه»، «منهج»، «اسلوب» و «طریقه» گفته است: و الحقیقة ان تلکم الکلمات مصطلحات حدیثه و لاتکاد تجد لها ذاکراً عند اصحاب الدراسات القرآنیة الاوائل و حتی اصحابها فی العصر الحدیث لاتکاد تجدهم یتفقون علی معنی واحد لکل منها و لهذا تری کثیراً منهم یعبّر بهذه الکلمة مّزة و بالآخری مّزة عن مدلول واحد و تری آخرین منهم یذکرون تعریفاً لکل مصطلح منها و یذکر غیرهم غیره». حقیقت آن است که این کلمات اصطلاح‌های جدیدی است و در بین دانشمندان نخستین مباحث قرآنی کسی را که یادکننده این کلمات باشد، پیدا نمی‌کنی و حتی دانشمندان مباحث قرآنی در عصر جدید را نمی‌یابی که بر معنای یکی از این کلمات متفق باشند و از این روی بسیاری از آنان را می‌بینی که از یک معناگاهی با این کلمه و بار دیگر با کلمه‌ای دیگر تعبیر می‌کنند و دسته دیگری از آنان را می‌بینی که برای هر یک از این اصطلاحات تعریفی را بیان و غیر آنان تعریفی دیگر ذکر می‌کنند (رومی، فهد بن عبدالرحمن، اصول التفسیر و مناہجه، ص ۵۵).

۲. ر.ک: دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه؛ معین، محمد، فرهنگ فارسی، واژه «مکتب».

کرده‌اند.<sup>۱</sup> با توجه به دو معنای اخیر که برای مکتب ذکر کرده‌اند پی می‌بریم مکاتب تفسیری می‌تواند به معنای نظریه‌های مختلفی باشد که درباره چگونه تفسیر کردن قرآن ابراز شده و شیوع یافته است و ممکن است در مورد روش‌های مختلف مفسران در بیان معنای آیات قرآن نیز به کار رود. هم‌چنین می‌توان مجموعه آرای تفسیری یک مفسر را در معنای آیات قرآن، که مورد پذیرش جمعی از مفسران بعد از او قرار گرفته باشد، مکتب تفسیری آن مفسر دانست. در کاربردهای این کتاب منظور از مکاتب تفسیری نظریه‌های مختلف مفسران در چگونه تفسیر کردن قرآن است ولی در نام این کتاب افزون بر آن، روش‌ها، آرا و کتاب‌های تفسیری مبتنی بر آن نظریه‌ها نیز منظور است.

برای آشکارتر شدن منظور خود از مکاتب تفسیری چند نکته را یادآور می‌شویم:

۱. مفسران در تفاسیری که برای قرآن نوشته‌اند روش واحدی نداشته‌اند. روش آنان در بیان معنی آیات و استفاده از منابعی که در تفسیر قرآن می‌توان از آن‌ها کمک گرفت مختلف بوده است؛ به عنوان مثال برخی به ذکر روایت یا روایاتی در ذیل آیات بسنده کرده‌اند و بدون هیچ بحثی در سند یا دلالت روایات و هیچ اظهار نظری از خود، از کنار آیات گذشته‌اند و برخی دیگر افزون بر این که بیش‌ترین استفاده را از روایات می‌کنند در مواردی معانی کلمات و اعراب مشکل آیات را نیز با استشهاد به اشعار عرب و امثال آن توضیح داده‌اند و اقوال صحابه و تابعین را یادآور شده و در موارد اختلاف احیاناً خود بعضی از اقوال را ترجیح داده‌اند و گاهی از آیات دیگر نیز کمک گرفته‌اند. گروهی ابتدا به تفصیل از قرائت‌های گوناگون آیات و معانی و اعراب کلمات بحث، و سپس معنی آیات را بیان کرده‌اند و در بیان آن از آیات دیگر و روایات نیز بهره گرفته‌اند و برخی هم ضمن بیان معنی آیات، در موارد مناسب مسائل کلامی یا فقهی را نیز مطرح، و در دلالت یا عدم دلالت آیات بر آن‌ها بحث کرده‌اند. برخی بعد از آن‌که به تفصیل در تفسیر آیات سخن گفته‌اند، مطالبی را به عنوان اشاره و تأویل برای آیات ذکر کرده‌اند و حتی گروهی بیش‌ترین اهتمام خود را بر ذکر معانی باطنی و اسرار و رموز آیات قرار داده‌اند، در حالی که گروه دیگر از ذکر معانی باطنی برای آیات بر اساس ذوق و استحسان، خودداری کرده‌اند. برخی از مفسران در تفسیر آیات بیش‌ترین استفاده را از آیات دیگر قرآن داشته‌اند و به اسباب نزول کمتر اعتماد کرده‌اند و برخی، همه جا به ذکر اسباب و شأن

۱. ر.ک: لغت نامه دهخدا، واژه «مکتب»؛ صفی‌پور، عبدالکریم، منتهی‌الارباب، واژه «فسر» (ج ۳، ص ۹۶۴).

نزول آیات پرداخته و در بیان معنای آیات به آن اعتماد کرده‌اند. هر چند ذوق و تخصص علمی مفسران در پیدایش بخشی از این اختلاف روش‌ها بی‌تأثیر نبوده است، ولی عمده اختلاف روش‌های مفسران، از اختلاف نظریه آنان در چگونه تفسیر کردن قرآن نشأت می‌گیرد.

به عنوان مثال اگر کسی نظرش در چگونه تفسیر کردن قرآن این باشد که قرآن تنها با روایات معصومین، علیهم‌السلام، قابل تفسیر است و فقط معنایی که در روایات معصومین علیهم‌السلام، برای آیات بیان شده مورد اعتماد است، روشش در تفسیر قرآن اکتفا به ذکر روایاتی خواهد بود که در آن‌ها معنایی برای آیات بیان شده باشد. هم‌چنین اگر کسی نظرش این باشد که قرآن به دلیل این که نور و تبیان کل شیء است در تفسیر آن به چیز دیگری نیاز نیست و قرآن را تنها باید با خود آن تفسیر کرد، روشش در بیان معنای آیات تنها استفاده از آیات دیگر قرآن خواهد بود. هم‌چنین اگر کسی نظرش این باشد که هر چند قرآن کریم ظاهر و باطن دارد، ولی غیر راسخان در علم (نبی اکرم و امامان معصوم علیهم‌السلام) از فهم معانی باطنی آن ناتوانند، قهراً روشش در تفسیر خودداری از ذکر معانی باطنی‌ای است که از طریق روایات به دست نیامده باشد، همان‌گونه که اگر کسی فهم معانی باطنی را برای غیر راسخان در علم ممکن بداند، در تفسیر آیات، معانی باطنی را نیز ذکر خواهد کرد. بنابراین هر روشی که در تفسیر آیات معمول می‌شود مبتنی بر نظری است که آن مفسر در چگونه تفسیر کردن قرآن اتخاذ کرده است و صحت و سقم و قوت و ضعف هر روش تفسیری بستگی به صحت و سقم نظریه‌ای دارد که مبنای آن روش تفسیری است. از این رو، در بررسی هر روش تفسیری باید نظریه‌ای را که مبنای آن بوده بررسی شود.

۲. گرچه با توجه به معنایی که در لغت برای مکتب ذکر کرده‌اند، نظر و روشی در تفسیر درخور اطلاق عنوان مکتب تفسیری است که در جمعی نفوذ یافته و طرفداران بسیاری پیدا کرده باشد، ولی در این جا مسامحتاً منظور از مکاتب تفسیری مطلق نظریات و روش‌های تفسیری‌ای است که تاکنون در تفاسیر مدون و معروف قرآن به کار رفته است، چه نفوذ و شیوع آن‌ها در حد مکتب باشد یا نباشد.

۳. هر چند تفسیر در لغت به آشکار کردن، معنا شده و از تحقیقی که در کتاب روش‌شناسی تفسیر قرآن در تعریف تفسیر قرآن انجام گرفت نتیجه گرفتیم تفسیر حقیقی قرآن

«بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و آشکار نمودن مراد خدای متعال از آن بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول عقلایی محاوره است»<sup>۱</sup>، ولی در این کتاب برای این که عنوان مکاتب تفسیری همه نظریه‌ها، روش‌ها، آرا و کتاب‌های تفسیری را شامل شود، تفسیر به معنایی اعم از معنای یاد شده است و هرگونه ذکر معنی برای آیات را در بر می‌گیرد، اعم از این که مفسر دلالت آیات را بر معنایی که ذکر کرده با ارائه شواهد و قراین بر مبنای قواعد و اصول نامبرده آشکار کرده باشد و یا از آشکار کردن آن ناتوان مانده باشد.

### مذاهب تفسیری

مذاهب جمع مذهب است و در فرهنگ‌ها معانی مختلفی برای آن ذکر کرده‌اند؛ مانند روش، جای رفتن، شعبه‌ای از دین، مطلق رأی، مجموعه‌ای از آرا و نظریات علمی و فلسفی مرتبط به هم، طریقه‌ای خاص در فهم مسائل اعتقادی و سرانجام روش خاص در استنباط احکام کلی و فرعی از ظاهر کتاب و سنت.<sup>۲</sup> با در نظر گرفتن این معانی می‌توان عنوان مذاهب تفسیری را برای هر یک از دو معنای زیر اصطلاح قرار داد و آن دو معنا را نیز از معانی اصطلاحی آن به شمار آورد:

۱. معنایی که برای مکاتب تفسیری بیان شد (نظریه‌های مختلف مفسران در چگونگی تفسیر کردن قرآن)؛

۲. شیوه‌های تفسیری و روش‌های مختلفی که مفسران بر مبنای عقاید و طرز تفکر و مکتب (نظریه) تفسیری خود در بیان معنای آیات و کشف مراد خدای متعال از آن برگزیده‌اند.

### مناهیج تفسیری

مناهیج جمع منهج است. منهج در لغت به راه آشکار و گشاده معنا شده است<sup>۳</sup> و در اصطلاح تعاریف زیر را برای آن ذکر کرده‌اند:

۱. روش‌شناسی تفسیر قرآن، ص ۲۳.

۲. ن. ک: فرهنگ معین، لغت نامه دهخدا، واژه «مذهب» و ابن درید، محمد بن حسن، در جمهرة اللغة، فیروزآبادی، مجدالدین، در القاموس المحيط، منتهی الارب، خوری شرتوتی، سعید، در اقرب الموارد، انیس، ابراهیم و دیگران، در المعجم الوسیط، ماده «ذهب». شایان توجه است که مجموعه معانی فوق در مجموع این کتاب‌ها برخی در بیش از یک کتاب و برخی در خصوص یک کتاب ذکر شده است.

۳. فرهنگ معین، واژه «منهج».

۱. قواعد قطعی و مستحکم و ساده‌ای که انسان با رعایت دقیق آن از این که خطایی را درست بیندارد، ایمن می‌ماند؛<sup>۱</sup>
  ۲. طریقه‌ای که انسان با به کار بردن آن به حقیقت می‌رسد؛<sup>۲</sup>
  ۳. روش تحقیق در هر علمی از علوم یا در هر حوزه‌ای از حوزه‌های معرفت انسانی؛<sup>۳</sup>
  ۴. روش روشن در تعبیر از چیزی یا در انجام دادن کاری بر پایه مبادی و نظام معین برای رسیدن به هدف مشخص؛<sup>۴</sup>
  ۵. گام‌های منظمی که پژوهنده برای حلّ یک یا چند مسأله اتخاذ می‌کند و برای رسیدن به نتیجه پی می‌گیرد.<sup>۵</sup>
- هدی جاسم ابوطبره بر هر یک از این تعاریف جز تعریف چهارم اشکال وارد کرده است<sup>۶</sup> که هم خود این تعاریف و هم اشکال‌های وارد شده بر آن‌ها قابل بررسی است، ولی برای رعایت اختصار از بررسی آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.
- در تعریف «منهج تفسیری» هدی جاسم ابوطبره چنین گوید: روشی است که مفسّر کتاب خدای متعال با گام‌های منظمی می‌پیماید تا به تفسیر (قرآن) طبق مجموعه‌ای از اندیشه‌ها که قصد دارد آن‌ها را (بر قرآن) تطبیق و در ضمن تفسیر خویش ابراز کند، دست یابد.<sup>۷</sup>

۱. «قواعد مؤکدة بسیطة اذا راعاها الانسان مراعاة دقيقة كان في مأمن من ان يحسب صوابا ما هو خطأ»، این تعریف را هدی جاسم ابوطبره در المنهج الاثري في تفسير القرآن الكريم، ص ۲۲، از چند کتاب نقل و بر آن اشکال کرده است.
۲. «طريقة يصل بها الانسان الى حقيقة»، این تعریف را نیز شخص نامبرده در همان صفحه از علی جواد طاهر نقل و بر آن اشکال کرده است.
۳. «طريق البحث عن الحقيقة في أي علم من العلوم أو في أي نطاق من نطاقات المعرفة الانسانية» این تعریف را نیز وی در همان صفحه از «النشر» نقل و در آن مناقشه کرده است.
۴. «الطريق الواضح في التعبير عن الشيء أو في عمل شيء طبقا لمبادئ معينة و نظام معين بغية الوصول الى غاية معينة» این تعریف را نیز وی در ص ۲۳، از چند کتاب نقل کرده و اشکالی ذکر نکرده است.
۵. «خطوات منظمة يتخذها الباحث لمعالجة مسألة او اكثر و يتبعها للوصول الى نتيجة» این تعریف را وی در ص ۲۲، از «ندیم المرعشی» نقل و بر آن خرده گرفته است.
۶. ن. ک: المنهج الاثري في تفسير القرآن الكريم، ص ۲۲.
۷. «المنهج التفسيري هو الطريقة التي يسلكها مفسر كتاب الله تعالى وفق خطوات منظمة يسير عليها لاجل الوصول الى التفسير طبقا لمجموعة من الافكار يعنى بتطبيقها و ابرازها من خلال تفسيره» (هدی جاسم، ابوطبره المنهج الاثري في تفسير القرآن الكريم، ص ۲۳).

محمد بکر اسماعیل نیز گوید: روشی است که مفسر بر اساس جهت‌گیری فکری و مذهبی و فرهنگ و شخصیت خود، در بیان معانی و استنباط آن از الفاظ و ارتباط الفاظ با هم و ذکر شواهد روایی و آشکار کردن دلالت‌ها و احکام و داده‌های دینی و ادبی و جز آن در تفسیر پی می‌گیرد.<sup>۱</sup> به نظر می‌رسد که اگر منهج تفسیری به صورت زیر تعریف شود گویاتر و بی‌اشکال‌تر باشد:

منهج تفسیری شیوه تفسیری خاصی است که مفسر بر اساس افکار و عقاید و تخصص علمی یا مکتب تفسیری خود در تفسیر آیات قرآن به کار می‌گیرد.

### مدارس تفسیری

مدارس جمع مدرسه است و معنای مدرسه در عرف و لغت آموزشگاه<sup>۲</sup> و مکان تعلیم و تعلم است<sup>۳</sup> و بر گروهی از فلاسفه یا اندیشمندان یا پژوهشگران که مکتب معینی را پذیرفته و رأی مشترکی داشته باشند نیز اطلاق شده است<sup>۴</sup> و جمله «هو علی مدرسه فلان (وی از مدرسه فلانی است)» را چنین معنی کرده‌اند: «وی بر رأی و مذهب اوست».<sup>۵</sup> بنابراین معنای لغوی مدارس تفسیر عبارت است از آموزشگاه‌هایی که در آن‌ها تفسیر درس می‌دهند، ولی اصطلاحاً بر جمعی از مفسران که در چگونه تفسیر کردن قرآن رأی مشترکی داشته و در تفسیر شیوه واحدی را به کار گرفته باشند، می‌توان «مدرسه تفسیری» اطلاق کرد. هم‌چنین می‌توان نظریه و منهج تفسیری یکی از مفسران را مدرسه تفسیری او نامید.

### اتجاهات تفسیری

اتجاهات جمع اتّجاه است و اتّجاه در لغت به سمت و جهت، میل و تمایل<sup>۶</sup> و روی آوردن

۱. «المراد من المنهج التفسیری فهو المسلك الذی یتبعه المفسر فی بیان المعانی و استنباطها من الالفاظ و ربط بعضها ببعض و ذکر ما ورد فیها من آثار و ابراز ماتحملة من دلالات و احکام و معطیات دینیة و ادبیة و غیرها تبعاً لاتجاه المفسر الفکری و المذهبی و وفق ثقافته و شخصيته» این تعریف را ایازی (سیدمحمدعلی) در «المفسرون حیاتهم و منهجهم» ص ۳۲، از کتاب «ابن جریر الطبری و منهجه فی التفسیر» تألیف محمد بکر اسماعیل، ص ۲۹، نقل کرده است. ۲. فرهنگ معین واژه «مدرسه».

۳ و ۴ و ۵. ن. ک: المعجم الوسیط، ص ۲۸۰.

۶. الیاس، انطون الیاس، فرهنگ نوین، ص ۷۸۱.